

در معرفی ناشر از کتاب «نظریه پردازی داده‌بنیاد» عنوان شده است: هدف این نوشتار بررسی و نقد ساختاری و محتوایی کتاب نظریه پردازی داده‌بنیاد است. کتاب، ترجمه اثری با عنوان doing theodry است که به قلم اووه فلیک، استاد دپارتمان پژوهش‌های کیفی دانشگاه فرای برلین نوشته شده و ترجمه آن با عنوان «نظریه پردازی داده‌بنیاد» به تازگی توسط نشر جهاد دانشگاهی به بازار عرضه شده است. از این نویسنده آثار متعددی در زمینه روش پژوهش منتشر شده که بسیاری از آن‌ها طی کمتر از ۱۰ سال اخیر نوشته یا بارها تجدید چاپ شده‌اند. این پژوهشگر و نویسنده، در کتاب «نظریه پردازی داده‌بنیاد»، شرح مبانی فلسفی و روش‌شناسی در کنار توضیح روش را پیگیری کرده است. در واقع پرداختن به این دو فقره به صورت توأمان، نقطه قوت اصلی کتاب است؛ زیرا این دو مبحث که غالباً جدای از یکدیگر مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند، در بسیاری از فصول این کتاب درهم آمیخته شده‌اند. فصل نخست کتاب، متمرکز بر مبانی نظری و فلسفه پژوهش‌های نظریه پردازی داده‌بنیاد است. فلیک در این فصل به تفصیل، فلسفه پژوهش‌های نظریه پردازی را در سنت‌های فکری مختلف بازگو کرده است. او در سنت گلیزری، معرفت‌شناسی نظریه پردازی داده‌بنیاد را تجربه – محور می‌داند؛ آنچه تحت عنوان رویکرد استقرایی صرف، مطرح می‌شود. در نقطه مقابل، سنت اشتراوس را مبتنی بر قیاس و رویکردی قاعده‌مند می‌داند. او در میانه این دو سنت، ایده ایداکسیون را به مثابه قاعده اصلی استدلال، ترکیبی از قیاس و استقرا، و سنت نظریه پردازان سازاگرا و کارکردگرا مانند چارمز می‌داند. تحلیل موقعیتی کلارک را نیز چرخشی معرفت‌شناختی به مکتب پسامردن، اما نزدیک‌تر به ایداکسیون معرفی می‌کند. نکته قابل تأمل آن است که نویسنده، بدون سوگیری و جانبداری، دیدگاه‌های مختلف معرفت‌شناسانه در رابطه با نظریه پردازی داده‌بنیاد را مطرح کرده و مزایا و معایب هر یک را برمی‌شمرد. فلیک، ایده «توسعه نظریه بین اکتشاف و تبیین» را به عنوان راهل واسطی می‌داند که می‌تواند مناقشه و دعوی میان نظریه پردازان این حوزه را تا حدودی مرتفع کند. نویسنده پس از پرداختن به رویکردها فلسفه‌ها و معرفت‌شناسی‌های موجود، متوقف نشده و در فصل‌های دوم تا هفتم کتاب، پژوهشگران را در زمینه به کارگیری روش مناسب هدایت کرده است. او چهار نسخه پرکاربرد نظریه پردازی داده‌بنیاد، یعنی نسخه‌های نظام‌مند، کلاسیک، سازاگرا و تحلیل موقعیت را به صورت کامل مطرح و مقایسه می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده را قادر می‌سازد روش پژوهش مناسب خود را انتخاب کرده و به کار گیرد. در این فصول، فرایند، مؤلفه‌های کلیدی و عناصر نظریه پردازی داده‌بنیاد در هر چهار نسخه به تفصیل شرح داده شده‌اند. روش‌های مختلف کدگذاری مانند کدگذاری ذاتی در برابر کدگذاری نظری، کدهای زنده در مقابل کدهای تحلیلی، خواننده‌های کدگذاری و کدگذاری باز، محوری و انتخابی از جمله مباحث طرح شده در این فصول هستند. فلیک از مفاهیم نوآورانه‌ای مانند مصاحبه‌های روایتی و داستان‌پار، مفاهیم حس برانگیز و پرسش‌های مولد روایت برای توضیح مراحل مختلف پیشرفت فرآیند نظریه پردازی داده‌بنیاد بهره می‌گیرد و برای هر یک مثال‌هایی جهت تقریب به ذهن مطرح می‌کند. او از استعاره «سه گانه دردرساز» هود، برای شرح و بسط پیچیدگی‌های نمونه‌گیری نظری، مقایسه مستمر داده‌ها با مقوله‌های نظری و توسعه نظریه از طریق اشباع نظری مقوله‌ها استفاده می‌کند. به این ترتیب از دیدگاه فلیک، آنچه ممکن است در ذهن بسیاری از پژوهشگران ساده بنماید، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که لازم است در مورد آنها بیش از پیش تأمل شود. دست آخر نویسنده در فصول پایانی کتاب، طرحی نو در انداخته و از عبارات «طرح پژوهش» و «منظرگرایی در نظریه پردازی داده‌بنیاد» رونمایی می‌کند. البته این اقدامی است که به نظر می‌رسد باید پیش‌تر و در فصول ابتدایی کتاب مطرح می‌شد. فلیک برای این تردید در مبنا قرار دادن طرح پژوهش در نظریه پردازی داده‌بنیاد دلایلی می‌آورد. از جمله این که به عقیده او ظاهراً در پژوهش‌های کیفی و نظریه پردازی داده‌بنیاد، مفهوم نامتمیزی از طرح پژوهش وجود دارد که شاید آن را با رویکرد قاعده‌مند هم‌تراز کند اما پس از آن به درستی، از آزمون فهم انتعاف‌پذیر در مورد طرح پژوهش»، دست‌کم در نظریه پردازی داده‌بنیاد سخن می‌گوید. در عین حال، ایده اتخاذ شیوه تک‌منظری را چندمنظری در طرح پژوهش نیز یکی از نوآوری‌های فلیک در فصل پایانی کتاب است. هر چند، توضیح و تفصیل بیشتر این ایده می‌توانست خواننده را دقیق‌تر با نحوه کاربرد آن در عمل آشنا کند. فلیک در فصل پایانی و به‌رغم تمام توضیحاتی که پیش‌تر در قالب روش ارائه کرده، یک نظریه داده‌بنیاد خوب را حاصل امتزاج هنر و روش مناسب می‌داند. در عین حال به نظر می‌رسد منظور او از هنر، استعداد ذاتی نیست؛ بلکه تمرین و استمرار است. برای مثال، او یادداشت‌نگاری را یک هنر تمرینی می‌داند و کار کردن با پژوهشگران مجرب و خبره و نیز استفاده از طرح پژوهش در نظریه پردازی داده‌بنیاد را به پژوهشگران تازه‌کار پیشنهاد می‌کند.

«نظریه پردازی داده‌بنیاد»

نوشته اووه فلیک با ترجمه الهام ابراهیمی در ۳۰۲ صفحه با شمارگان ۱۰۰ نسخه و با قیمت ۱۰۵ هزار تومان در سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی عرضه شده است.

مترجم آثار «ما شروعش می‌کنیم» در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هیچ کس واقعاً ضدقهرمان نیست

◀ «کالین هور» مخاطب را به شجاعت دعوت می‌کند



آرمان ملی – بیتا ناصر: «این کتاب، شهامت آغاز زندگی دوباره را پس از سپری کردن آشفتنگی‌های زندگی خشونت‌آمیز به شما می‌بخشد و ضرورت ادامه دادن را مطرح می‌کند. کالین هور در دست و غلط را در ذهن مخاطب به چالش می‌کشد و او را بر آن می‌دارد با شخصیت‌های ضدقهرمان داستان همدلی کند. هور توانسته است این واقعیت را اثبات کند که در زندگی، هیچ‌کس واقعاً ضدقهرمان نیست. شخصیت‌های ضدقهرمان این رمان، قربانی آموزش یا رفتار و شرایط نامناسب گذشته‌شان بوده‌اند و نفرت داشتن از آن‌ها کار ساده‌ای نیست.» این توضیحی است درباره کتاب «ما شروعش می‌کنیم» نوشته کالین هور، نویسنده آمریکایی متولد ۱۹۷۹ که بیش از ۲۰ رمان در فضاهایی عاشقانه و معمایی نوشته و بیشتر آثار او در فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز قرار گرفته‌اند. «ما شروعش می‌کنیم» با ترجمه آرتمیس مسعودی متولد ۱۳۵۲ که پیش از این «ما تماش می‌کنیم» را نیز از همین نویسنده ترجمه کرده بود، ظرف چند ماه به چاپ هشتم رسیده و این نشان می‌دهد آثار کالین هور در ایران نیز مخاطبان خود را پیدا کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گپ وگفت کوتاهی است با مسعودی درباره این کتاب. او همچنین تجربه ترجمه آثاری همچون «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند»، «پروژه شادی»، «لینور آلفینت کاملاً خواب است»، «بشت‌سرت را نگاه کن»، «وقتی خاطرات دروغ می‌گویند»، «جنوب دریاچه سوپریور»، «اولین تماس تلفنی از بهشت»، «بازی جوانمردانه» و «موبیت» را در کارنامه دارد.

◀ کتاب «ما شروعش می‌کنیم» نوشته کالین هور، تازه‌ترین ترجمه شماست که در مدت کوتاهی به چاپ هشتم رسیده است. ابتدا درباره این اثر و شخصیت‌های آن بگویید.

معدودی شخصیت جدید هم به آن اضافه شده است. به هر حال، خواننده با ویژگی‌ها و پیشینه شخصیت‌های اصلی اشاشست و در بسیاری از موارد، نویسنده توانسته است بدون آنکه نیاز به توضیح بیشتری باشد، داستان را پیش ببرد و موفق به توصیف جزئیات و ظرایف بیشتری در مورد عملکرد و حالات روحی شخصیت‌ها شود.

◀ کالین هور در «ما تماش می‌کنیم» و «ما شروعش می‌کنیم» توانسته جایگاه خود را به عنوان نویسنده پرفروش نیویورک تایمز حفظ کند. با توجه به موفقیت‌های او در جذب مخاطب، و ویژگی‌های داستان نویسی هور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رمان‌های کالین هور جزورمان‌های سخت‌خوان نیستند اما به جنبه‌های مهم زندگی انسانی می‌پردازند و واقعیت‌هایی را مطرح می‌کنند که شاید بیشتر ما تمایل نداشته باشیم آنها را از لایه‌های زیرین زندگی شخصی‌مان بیرون بکشیم و مرزهایمان را در مورد آنها مشخص کنیم. این نویسنده به ملموس‌ترین شکل ممکن، واقعیت‌هایی را پیش روی ما قرار می‌دهد و از ما می‌خواهد با شجاعت و قدرت آنها را مورد بازنگری قرار دهیم. وقتی مخاطب تا این حد درگیر داستان می‌شود، خود را با آن همراه می‌کند و شاید با نوعی همزادپنداری شخصیت‌ها را تا پایان همراهی می‌کند، دلش می‌خواهد به آنها توصیه کند، تشویقشان می‌کند، برایشان دل

می‌سوزاند و در نهایت نیز همچنان با چالش درست و غلط دست‌به‌گریبان است. این باورپذیری و دوری از کلیشه‌هاست که مخاطب را جذب داستان‌های نه‌چندان پیچیده کالین هور می‌کند.

◀ هور، داستان را با روایت اتلس و لی‌لی پیش می‌برد. نویسنده از چه کارکردهای زبانی برای تفاوت روایت‌ها بهره برده است؟

با توجه به آنکه ما از کتاب «ما تماش می‌کنیم» تا حد زیادی با گذشته اتلس و لی‌لی آشنا هستیم، نویسنده توانسته در قالب همان کارکردهای قبلی، سیر زندگی این دو شخصیت اصلی را توصیف کند. اتلس همچنان متکی به نفس، دلسوز و مراقب است و لی‌لی باتدبیر، مصمم و جسور. این ویژگی‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و دیالوگ‌ها به خوبی حسی می‌شود.

◀ مساله طلاق، نگاه‌ها و موضع‌گیری‌های نادرست در قبال آن یکی از ناهنجاری‌هایی است که در باور بخش بزرگی از جوامع وجود دارد. از این منظر کالین هور در این اثر تا چه میزان به دغدغه‌ها و مصائبی که زنان در این حوزه با آن مواجه‌اند، پرداخته است؟

به نظرم هدف این دوگانه کالین هور پرداختن به همین نگاه‌ها و موضع‌گیری‌های نادرست است و اصطلاحی که به ویژه در فرهنگ ما به «سوختن» ساختن» معروف است، اما در نهایت به قربانی شدن کل خانواده؛ به ویژه فرزندانِ منجر می‌شود که

ناچارند در فضایی آکنده از خشم، تنفر و عصبیت رشد کنند و در آینده با انواع مشکلات روحی و روانی پا به زندگی مستقل می‌گذارند.

◀ نویسنده در «ما شروعش می‌کنیم» ضمن روایت داستانی عاشقانه، از حضور انسان‌های منفی و سیاه در جامعه و زخم‌های عمیق روحی شخصیت‌هایی می‌گوید که سعی در ایجاد رابطه‌ای سالم دارند. به نظر شما این اثر چه پیامی برای انسان امروز به‌همراه دارد؟

کالین هور شخصیت‌ها را خاکستری می‌بیند و مجاز و مجاز به اشتباه؛ و تلاش انسان‌ها را در شکند و خود را قربانی کند؛ در حالی که او باید نهایت تلاش‌ش را برای حفظ رابطه

انجام بدهد و حتی فرصتی دوباره برای فرد مقابل در نظر بگیرد، اما در جایی که قرار است ادامه رابطه با همان روال بیمارگونه پیش برود، شاید در بیشتر اوقات ادامه‌دان، برای هر دو طرف آسیب بیشتری به‌همراه داشته باشد.

◀ به نظر می‌توان از توانایی کالین هور در به تصویر کشیدن احساسات انسانی به عنوان یکی از شاخصه‌های داستان نویسی او یاد کرد. نظر شما در این باره چیست؟

دقیقا! به نظر می‌رسد نقطه عطف داستان‌های هور همین است. او حسن‌هایی را به تصویر می‌کشد که مخاطب آنها را از پیش در خود سراغ دارد، اما هرگز لمس‌شان نکرده است و گویی این ریزبینی از شاخصه‌های مهم کالین هور است.

◀ همان‌طور که در ابتدا گفته شد، کتاب «ما شروعش می‌کنیم» در مدت کوتاهی به چاپ هشتم رسید. از دلایل استقبال کتاب برای مخاطبان فارسی‌زبان بگوئید.

مخاطبانی که «ما تماش می‌کنیم» را دوست

داشتند به‌شدت تمایل داشتند پایان کار لی‌لی و اتلس را بداندند. کالین هور می‌گوید هرگز قصد نداشته کتاب دوم را بنویسد، اما اصرار خوانندگان و پیگیری‌شان او را وادار به نوشتن کرده است. از طرفی، همان‌طور که می‌دانیم امروزه مخاطب فارسی‌زبان برای بازنگری ارزش‌ها و سنت‌ها به‌شدت تلاش می‌کند و هر سرنخی برای ادامه این راه برایش مغتنم است.

◀ مواردی همچون نوع نگاه مترجم به اثر، زبان روایی، تجربه، آشنایی با فرهنگ و ویژگی‌های زبانی مبدا، همواره به عنوان پاید‌ها برای مترجم مطرح بوده است. با توجه به تجربیات شما در این حوزه، به نظر شما چه مواردی در تجدید چاپ‌های متعدد یک اثر ترجمه‌ای نقش دارند؟

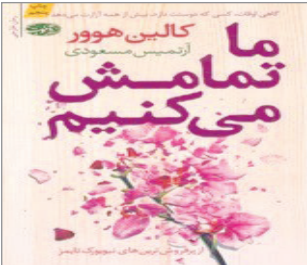
مطمئناً تمام مواردی که برشمردید در مقبولیت یک اثر ترجمه نقش بسیار مهمی دارند و کاملاً ضروری هستند اما جذابیت خود اثر و نیازهای روز جوامع نیز در پذیرش و پرفروش شدن کتاب‌ها غیرقابل‌انکار است. اثری که مضمون آن تناسبی با نیاز مخاطب نداشته باشد حتی با بهترین کیفیت ترجمه‌کنار گذاشته می‌شود.

◀ از مراحل انتخاب، ترجمه و انتشار این کتاب بگویید و اینکه آیا این اثر شماره سوم خواهد داشت؟

هر دو کتاب کالین هور به انتخاب و پیشنهاد نشر آ موت ترجمه شده‌اند. نویسنده در مقدمه «ما شروعش می‌کنیم» اعلام کرده فعلاً قصدی برای نوشتن شماره سومی را ندارد.

◀ در حال حاضر کتابی در دست ترجمه یا آماده انتشار دارید؟ باز خورد و استقبال مخاطبان فارسی‌زبان چه تأثیری در ادامه روند حرفه‌ای شما در حوزه ترجمه داشته و دارد؟

سرگرم ترجمه کتابی هستم که تا حدودی زمانبر است و به گمانه مدت زیادی در زمان انتشار آن باقی است. اینکه از خوانندگان پیام‌هایی دریافت می‌کنم که به‌طور مثال با خواندن یکی از کتاب‌ها شخصیت خودشان را کشف کرده‌اند یا مثلاً در مراحل سوگ‌شان تسلاي هرچند اندک پیدا کرده‌اند یا حتی در تصمیم‌شان مصمم تر شده‌اند، بیش‌ترین انگیزه را برای ادامه راه و احساس مسئولیت بیشتر و احترام نسبت به مخاطب ایجاد می‌کند.



در پنجاه‌وششمین سالمرگ شاعر؛

فروغ فرخاد؛ جوانی موسفید!

عاطفی خویش که در بطن خویش و جامعه تراوش و متولد می‌شوند، به دنبال تلفیقی آگاهانه و عالمانه با طبیعت و دنیای معرفت است. وی در این اثر شاعری است خودگرا که شعرش از خودگرایی به نوعی طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) تبدیل می‌شود و پایان‌بندی کار نیز حاصلی است مفهوم‌گرا که این مفهوم ریشه در آیدتیک (درون‌بینی ذات‌شهود) شاعر دارد. می‌توان چنین پنداشت که فروغ در اشعارش هم شاعری لیبرال (آزادی‌خواه) است و هم لیبرتی (رهايي و اختیار). لیبرال به این معنا که در شعرش هم آزادی بیان دارد و هم صراحت و ظرافت لپچه و همیشه شعر را در اختیار واقعیت‌ها قرار می‌دهد تا این واقعیت‌ها حقیقت را به نحو مطلوب و متبوع بیان کنند. به دیگر بیان، زبان دموکراسی در شعر فروغ زبانی است که مطالبات و منویات مردم و جامعه را هرآنچه که هست، تصویر می‌کند؛ نه هر آنچه که نیست. نیستی در شعر فروغ بی‌معناست و همیشه فرهنگ هستی از صداهای مشخص در شعر فروغ است. «من از دیار عروسک‌ها می‌آیم/ از زیر سایه‌های درختان کاغذی/ در باغ یک کتاب مصور/ در پشت میزهای مدرسه‌ی مسلول/ از لحظه‌ای که بچه‌ها توانستند بر تخته حرف «سنگ» را بنویسند/ و ساره‌های سراسیمه از درخت کهنسال پر زند/ من از میان ریشه‌های گیاهان گوشتخوار می‌آیم/ او مغز من هنوز/ لبریز از صدای وحشت و پورانه‌ای است که او را در دفتري به سنجاقی/ مصلوب کرده بودند.» دیگر مؤلفه فرارونده در شعر فروغ که صدای شعر او را به صدایی مشخص و مدون مبدل ساخته است و او را شاعری متمایز و متفاوت جلوه می‌دهد؛ مؤلفه‌ای است به نام «لیبرتی» و لیبرتی به معنی رهایی در آزادی است نه آزاد شدن. می‌توان گفت آزادی پرنده در قفس به معنی آزاد کردن پرنده است، پرنده‌ای که هنوز مفهوم آزادی، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی را تجربه نکرده است؛ زیرا که قفس این اجازه را از او سلب کرده است. بنابراین تلفیقی از آزادشدن و آزاداندیشیدن را می‌توان لیبرتی نامید. لذا در شعر فروغ دو نوع و حالت از لیبرتی را مشاهده می‌کنیم؛ نخست: آزاد شدن و رها شدن خویش و دوم:

رهایی خود از قفس، برای آزادی‌خواهی و آزاداندیشیدن. زیرا ابتدا بایستی خواهان و طالب آزادی بود و بعد به آن فکر کرد. فروغ شاعری است که کاراکتر آزاداندیشی را در شعر خویش، همیشه برگ برنده می‌داند و در قید و بند بودن لفظ و معنا را در شعر، نوعی ایستار می‌ندارد. فروغ کاملاً شاعری است که در شعرش پوست‌اندازی دارد و همیشه سعی می‌کند نظر خود را به منظرها تغییر دهد تا که شعرش هم جامعه‌پذیر باشد و هم تعمیم‌پذیر. شاعری که درد و رنج جامعه را درد و رنج خود می‌داند و با درد و مشقت جامعه گام‌به‌گام در حرکت است. او شاعری است که سه نوع تولد را می‌توان در اشعارش مشاهده کرد: تولدی است آزارین که این تولد توأم با دانش است و هنوز شاعر تجربه‌ای را در این تولد به خود و اشعارش احساس نکرده است. دوم؛ تولدی است میانگین که شاعر دارای دانش و بینشی بلند است و البته تجرباری تقلیدی و تحقیقی هم در کنار این دانش و بیشش آموخته است و سوم؛ تولدی است دیگر که شاعر در این تولد، هم خود را خوب دانسته و دیده است و هم جامعه را و مهم‌تر این که در تولد دیگر، شاعر دانش و تجربه‌ای ناهنگام را باهم همگون و آشتی می‌دهد که این تولد در ضمیر ناخودآگاه شاعر خیز برمی‌دارد و پیامد آن نیز تسری خودآگاهی به خویش و جامعه است.

